

مدیر عامل ستاد دیه خراسان شمالی:

۷۰ درصد زندانیان حوادث رانندگی موتورسوار هستند

افیون اعتیاد

تیر خلاص به مواد مخدر

«ما معتادها در مقابل اولین دود یا قرص مخدر قدرت دفاع نداریم و فکر عواقب درناکی که پس از مصرف حتی یک قرص مخدر در انتظارمان است، اصلاً به مغزمان راه پیدا نمی کند. اگر احیاناً چنین افکاری هم در مغز ما باشد، افکاری بسیار بی مایه است و ما آن را با یک فکر رنگ و رو رفته و قدیمی پس می زنیم و به خود می گوئیم؛ این بار می توانیم مصرف مواد را کنترل شده ادامه دهیم و هر گاه اراده کنیم، مصرف را قطع خواهیم کرد!»

این مطالب را یکی از اعضای انجمن الکلی های گمنام می گوید که اکنون ۷ سال است هیچ ماده مخدری مصرف نکرده است، حتی یک قرص مسکن! واقعیتی که اعضای این انجمن به آن رسیده اند این است که بیشتر معتادان بنا به دلایلی که هنوز روشن نیست، اختیار و قدرت انتخاب خود را در برابر مصرف مواد مخدر از دست می دهند و نیرویی که اراده نامیده می شود عملاً از صحنه زندگی آن ها خارج می شود. به گفته «محمود» یکی از اعضای این انجمن آن ها بعضی از اوقات حتی قادر نیستند زجر، شکنجه و سرشستگی یک هفته یا یک ماه قبل خود را به طور جدی در ذهن شان زنده و مجسم کنند. تعبیری که اعضای این انجمن از این رفتار معتادان دارند این است که آن ها قابلیت تشخیص این موضوع را که روی یک احاق ادق نباید دست گذاشت، از دست داده اند و یک معتاد برای صدمه بار هم که سدش سوخته باشد، ممکن است به سادگی به خود بگوید: «این دفعه دستم را نمی سوزاند، ببین، این طوری!» «محمود» در شرح این رفتار معتادان اظهار می کند: «بعضی از ما معتادان بارها برای مان پیش آمده که به همین صورت دوباره و چند باره مصرف مواد مخدر را شروع کرده ایم و پس از دود چهارم یا پنجم مشت به دیوار کوبیده و پرسیده ایم؛ «خدا یا چطور شد که دوباره شروع کردم؟!» و بعد با این فکر که «این مصرف، مصرف آخر است» و یا «حالا دیگر آب از سرم گذشته است»، افکار قبلی را پس زده ایم».

به عقیده اعضای انجمن الکلی های گمنام وقتی چنین طرز تکرری در شخصی که دارای خصوصیات یک معتاد است رخنه می کند، احتمالاً دیگر برای او از دست انسان ها کاری ساخته نیست و این واقعیت به وسیله معتادان بی شماری در طول تاریخ و سراسر جهان به اثبات رسیده است و اگر لطف خداوند شامل حال آن ها نشده بود، هزاران مثال غیر قابل انکار دیگر هم به کسانی که جانشان را در این مسیر از دست داده اند، اضافه می شد. به گفته «محمود» انجمن الکلی های گمنام راه حلی برای این گروه دارد و لازمه توفیق در آن با روی غرور گذاشتن، اعتراف به ضعف ها و درون نگری است و با آن که تقریباً هیچ یک از اعضای آن در ابتدا به رعایت این اصول علاقه ای نداشتند اما از آن جا که شاهد تاثیر واقعی آن در زندگی دیگران بودند، به مرور دریافته که زندگی به صورتی که آن ها گذران می کرده اند بیهوده و نافرجام بوده است. بنابراین وقتی از کسانی که مشکل اعتیاد و مصرف مواد مخدرشان برطرف شده بود پیشنهاد کمک کردند، آن ها پذیرفتند.

به عقیده او به غیر از پذیرفتن این اصول، راه دیگری برای اوو خیلی از معتادان دیگر باقی نمانده بود، مگر قدم گذاردن در راه معنوی ساده ای که اعضای این انجمن پیش پای آن ها گذاشته بودند. او در توصیف وضعیت و احساسی که اکنون از زندگی اش دارد می گوید: «ما اکنون مقداری از بهشت را یافته ایم و به طرف بعد چهارم زندگی پرتاب شده ایم، بعدی که در خواب هم آن را ندیده بودیم».

آگاهی- ۷۰ درصد از زندانیان حوادث رانندگی در خراسان شمالی موتورسوارانی هستند که با وجود نداشتن گواهینامه و بیمه رانندگی کرده و بر اثر تصادف باعث فوت و یا مجروح شدن فردی شده اند.مدیر عامل

سه‌شنبه ۱۳خرداد ۱۳۹۴ ۱۲ صفر ۱۴۳۷ شماره ۲۰۲۴

ستاد دیه خراسان شمالی با بیان این مطلب به خبرنگار ما گفت: کم‌ابن ۳۰ زندانی به دلیل حوادث رانندگی در زندان های استان دوران محکومیت خود را سپری می کنند که ۱۶ نفر از این رانندگان باعث مرگ فردی شده‌اند



۳۵ درصد متوفیان حوادث ترافیکی استان موتور سواران هستند

بازی با مرگ

رتبه چهارم خراسان شمالی در آمار بالای فوت شدگان تصادفات موتورسیکلت



با موتور برای ۱۷ بیمار دیگر این بخش تداعی می شود و همه آن ها را زجر می دهد.

پرده سوم

مطب پزشک معتمد نیروی انتظامی برای بررسی درخواست معافیت مشمولان نظام وظیفه

پزشک: چه بیماری داری که درخواست معافیت داده ای. مشمول نفر اول: با موتور تصادف کردم و در دست راستم پلاتین دارم. مشمول سوم: با موتور تصادف کردم و در پای چپم پلاتین دارم. مشمول پنجم: با موتور تصادف کردم و در پای راستم پلاتین دارم. مشمول نهم: با موتور تصادف کردم...

پرده چهارم

کانون اصلاح و تربیت

نوجوان ۱۶ ساله جاجرمی در پاسخ به این سوال که به چه دلیل در این کانون به سر می برد می گوید: هنگام موتورسواری در ماه حرام با یک عابر پیاده تصادف باعث مرگ او شدم و به دلیل نداشتن گواهینامه به پرداخت ۲۴۰ میلیون تومان دیه محکوم شدم اما توان پرداخت آن را ندارم.

پرده دوم

بخش سوم جراحی اورژانس

بیمارستان امام علی(ع)

داد و فریادهای جوان ۱۷ ساله، تمام بخش سوم جراحی اورژانس بیمارستان امام علی (ع) را پر کرده است. قلم پایش به طور کامل شکسته است و دست راستش هم علاوه بر این که به شدت خراشیده شده، در آمده است. مادرش مدام بر سر و صورتش می زند و از پزشکان می خواهد به داد پسرش برسند. با داد و فریادهای او اشک در چشمان مادر جوان دیگری که فرزندش در پی تصادف با موتور سیکلت قطع نخاع شده است حلقه می زند و دوباه خودش را سرتش می کند که چرا برای خوشحال کردن فرزند دلبندهش با اصرار شوهرش را راضی کرد تا برای پسر نوجوانشان موتورسیکلت بخرد.

کمی آن طرف تر جوان ۲۱ ساله به یاد تصادف خودش با موتور سیکلت می افتد و انگار دوباره جوی زخم های بدنش درد می گیرد. البته او تنها نیست و بر اساس آمار ارائه شده از سوی مسئول این بخش بیمارستان امام علی (ع) خاطره تلخ تصادف

و ۱۴ نفر نیز فردی را مجروح و روانه بیمارستان کرده‌اند. «استاجی» افزود: از این تعداد ۱۰ نفر درجنورد، ۱۳ نفر در شیروان و ۵ نفر در زندان اسفراین به سر می‌برند. وی اظهار داشت: اغلب

راکبان موتور سیکلت که هم اکنون به دلیل تصادف در زندان به سر می برند از خانواده های کم‌بضاعت و یانوجوانان و جوانانی هستند که به دلیل نداشتن شغل توان پرداخت دیه

درد ر اهروی دادگاه خانواده

انتظار داشتیم همسرم مطیع محض باشد

در خانواده ای رشد کردم که حتی بیان کلمه طلاق در آن ممنوع بود و هرگز شنیده نمی شد و من نیز با این طرز فکر که زن باید با لباس سفید عروسی به خانه بخت برود و با کفن خارج شود بزرگ شدم. اکنون که به آن روزها فکر می کنم متوجه رنجی می شوم که مادرم از رفتارهای پدر می کشید اما هیچ وقت صدایش در نمی آمد و من هم با این توقع که همه زن ها باید مانند مادرم باشند بزرگ شدم و ازدواج کردم. در دوران مجردی و تحصیل هم برای دخترانی که دور و برم بودند ارزشی قائل نبودم و خودخواهی ام موجب شده بود که دخترانی که در محیط دانشگاه می پسندیدم و قصد ازدواج با آن ها را داشتم از من دوری کنند تا این که دختری را که خانواده ام به من معرفی کردند پسندیدم و با او ازدواج کردم در حالی که شناخت درستی از او و خانواده اش نداشتم. دوران نامزدی برای من دوران خوبی بود و با این که مادرم مرتب به من یادآوری می کرد که به همسر اهمیت دهم و با او درست رفتار کنم اما من رویه خودم را در پیش گرفته بودم و به حرف های او گوش نمی دادم تا این که کم کم اختلافات ما شروع و این اختلافات کوچک، بزرگ شد. همسر از بدقولی ها، طعنه ها و ریشخندها و ایرادهای من خسته شده بود. او می گفت: چرا هنگامی که می پرسم کجایی به من جواب درستی نمی دهی؟ به قرار هایمان اهمیت نمی دهی؟ در گفتار و رفتار محبتی وجود ندارد و خشک و بی احساسی و انگار نه انگار که ازدواج کرده ای و باید متعهد و مسئولیت پذیر باشی. راست هم می گفت من به زن و زندگی مشترک اهمیت نمی دادم و به نظرم همسری خوب بود که در برابر اعمالی که انجام می دهد ساکت باشد درست مانند مادرم. این اختلافات کم کم ریشه دار شد و عاقبت روزی نامه ای به دستم رسید که احضاریه دادگاه بود. همسرم بعد از ۶ ماه نامزدی تقاضای طلاق کرده بود. از سوی دادگاه به جلسات مشاوره رفتم و در آن جا بود که متوجه شدم چقدر دادم و همسرم باید بیشتر گذشت می داشت تا بلکه مادرم را هم آزرده بودم. تحمل این رفتارها برای فردی مانند همسرم که در خانواده ای پر مهر و محبت و صمیمی بزرگ شده بود سخت بود. مدتی گذشت و با وجود این که حرف های مشاور به دلم نشست و خودم هم آن ها را قبول داشتم اما تغییر در مدت کوتاه سخت بود و در مهلتی که دادگاه به ما داد هم نتوانستم تغییر زیادی در خود به وجود آورم و همین امر موجب شد، همسرم از من طلاق بگیرد. اما من نمی توانستم قبول کنم مقصر اصلی من و نوع تربیتی است که دارم و گمان می کردم هر ۲ بودن مادرم چه مشکلات ریشه دار و عمیقی برای زندگی ما از هم نباشد. بنا براین در خلال مدتی که رفت و آمدهای طلاق جریان داشت تمام تلاشم را کردم تا همسرم و خانواده اش را آزار دهم به طوری که با شکایت خانواده او محکوم و چند شب زندانی هم شدم اما بالاخره طلاق ما نهایی شد. حالا که فکر می کنم می بینم که اخلاق پدرم و تسلیم محض بودن مادرم چه مشکلات ریشه دار و عمیقی برای من و برادر و خواهرانم ایجاد کرده است به طوری که زندگی هیچ یک از ما رنگ خوشبختی ندارد و همه به نوعی از این موضوع در رنجیم و همین امر باعث شده است تا هیچ یک از ما زندگی طبیعی نداشته باشیم. از سویی طلاق نیز زندگی من را تا سال ها تحت الشعاع قرار داد و روح و روانم از عواقب آن چنان آزرده شده بود که گمان می کردم همه یا دشمن هستند. با تحمل سختی های زیادی دوباره زندگی طبیعی خود را به دست آوردم اما این اتفاق درس عبرتی برای من شد تا رفتار و اندیشه خود را در باره دیگران تغییر دهم و بتوانم زندگی خود را در مسیری مثبت سر و سامان دهم.

صفحه حوزه و دانشگاه

دانشجویان ارجمند دانشگاه‌ها

و مراکز آموزش عالی خراسان

شمالی می‌توانند پیام‌ها و

مشکلات‌شان را از طریق شماره‌های

۰۵۸-۳۲۲۲۲۲۲۱ و ۳۲۲۴۷۲۲۲

یا مادر میان بگذارند..



کاردرمانی و حرفه آموزی زندان شیروان در دست ساخت است. وی با اشاره به پیشرفت فیزیکی ۹۹درصدی این اردوگاه،ادامه داد: امیدواریم با تخصیص اعتبارات باقی مانده، این پروژه طی یک ماه آینده به بهره برداری برسد.بلوکی خاطر نشان کرد: اردوگاه کاردرمانی و حرفه آموزی شیروان با ۲ هزار و ۵۳۵ متر مربع مساحت از محل اعتبارات سفر رهبری احداث می شود.

وی گفت: با بهره برداری از این پروژه زندان کنونی اسفراین که در داخل شهر قرار دارد به مکان جدید سال ۹۱ در قطعه زمینی به مساحت ۲ هزار و ۵۰۰ متر مربع و با ۳ هزار و ۶۲۵ متر مربع زیربنا آغاز شد و در حال حاضر این پروژه از پیشرفت فیزیکی ۹۷ درصدی برخوردار است. بلوکی افزود: این پروژه در صورت تأمین صد درصدی اعتبارات سال ۹۴ تا ۲۲ بهمن سال جاری به بهره برداری خواهد رسید.

مدیرکل زندان های استان از بهره برداری دو پروژه زندان جدید اسفراین و اردوگاه کار درمانی زندان شیروان با هدف انتقال زندانیان مواد مخدر استان به این اردوگاه تا دهه فجر خبر داد. مدیرکل زندان های خراسان شمالی در حاشیه بازدید مشاورفتی رئیس سازمان زندا ن ها با هدف بازدید و بررسی وضعیت کنونی و اقدامات عمرانی پروژه زندان جدید اسفراین و اردوگاه حرفه آموزی

مدیرکل زندان های استان از بهره برداری دو پروژه زندان جدید اسفراین و اردوگاه کار درمانی زندان شیروان با هدف انتقال زندانیان مواد مخدر استان به این اردوگاه تا دهه فجر خبر داد. مدیرکل زندان های خراسان شمالی در حاشیه بازدید مشاورفتی رئیس سازمان زندا ن ها با هدف بازدید و بررسی وضعیت کنونی و اقدامات عمرانی پروژه زندان جدید اسفراین و اردوگاه حرفه آموزی

مدیر کل زندان ها خبر داد:

زندان ویژه جرایم مواد مخدر تا دهه فجر آماده می شود